



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

زندگینامہ
شیخ بہائی



بہائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگی نامه شیخ بهائی

نویسنده:

مصطفی ذاکری

ناشر چاپی:

کتاب ماه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|---|
| ۵ | فهرست |
| ۸ | زندگی نامه شیخ بهائی |
| ۸ | مشخصات کتاب |
| ۸ | ۱- زندگی نامه |
| ۸ | ولادت |
| ۸ | مهاجرت پدر شیخ به ایران و منصب شیخ الاسلامی |
| ۹ | شیخ بهائی - سفر به ایران |
| ۱۰ | منصب شیخ الاسلامی |
| ۱۰ | سفرها |
| ۱۰ | جامعیت |
| ۱۰ | وفات |
| ۱۱ | تاریخ تولد |
| ۱۱ | تاریخ وفات |
| ۱۲ | ۲- آثار شیخ بهائی |
| ۱۲ | اشاره |
| ۱۲ | آثار فقهی و حدیثی |
| ۱۳ | آثار تفسیری |
| ۱۳ | آثار ریاضی، نجوم، طبیعیات و هیئت |
| ۱۳ | آثار ادبی و حکمت |
| ۱۴ | آثار دعایی |
| ۱۴ | ۳- اساتید و تلامیذ |
| ۱۴ | ۱- اساتید شیخ بهائی |
| ۱۵ | ۲- شاگردان شیخ |

- ۴- مقامات شیخ ۱۵
- اشاره ۱۵
- ۱- از نظر اعتدال و عدم افراط در عقائد و تعصبات ناروا ۱۶
- ۲- جنبه تواضع و فروتنی شیخ است ۱۶
- ۳- سعه صدر شیخ و تحمل طعن مخالفین ۱۶
- ۴- گوشه دیگری که سزاوار است از چهره زندگی شیخ باز نمائیم مقام زهد و اعراض شیخ از زخارف و عناوین دنیوی است ۱۷
- ۵- خصیصه دیگر شیخ خدمتگزاری و دستگیری وی است که از بذل علم و انفاق مال و خدمت به خلق کوتاهی نداشته ۱۷
- ۵- شیخ بهائی، ادیبی کم نظیر ۱۷
- اشاره ۱۷
- از مثنویات معروف شیخ ۱۸
- ۶- منصب شیخ الاسلامی و شیخ بهائی ۱۹
- اشاره ۱۹
- شیخ بهایی و شاه عباس اول ۱۹
- ایرادهای وارد بر عملکرد سیاسی شیخ ۲۰
- اشاره ۲۰
- الف) همکاری با سلاطین صفوی ۲۰
- ب) مدح سلاطین معاصر و تالیف کتاب و رساله به نام آن‌ها ۲۱
- ج) تضاد و دوگانگی در نظر و عمل سیاسی ۲۱
- ۷- شیخ بهائی دانشمندی جامع ۲۲
- اشاره ۲۲
- اینک به چند نمونه از آثار این مرد الهی اشاره می‌کنیم: ۲۲
- ۱- تقسیم آب زاینده رود ۲۲
- ۲- ساخت مسجد چهار باغ به روی لجنزار ۲۳
- ۳- گرمابه شیخ بهائی ۲۳

- ۲۳ اشاره
- ۲۴ طرز کار آبگرمکن "شیخ بهائی"
- ۲۴ ۴- محاسبات کامپیوتری
- ۲۵ ۵- معماری مسجد امام اصفهان و مهندسی حصار نجف را به او نسبت می دهند.
- ۲۵ ۶- شاخصی برای تعیین اوقات شبانه روز از روی سایه آفتاب یا به اصطلاح فنی، ساعت آفتاب یا صفحه آفتابی
- ۲۵ ۷- طرح ریزی کاریز نجف آباد اصفهان که به نامقنات زرین کمر،
- ۲۵ ۸- دیگر از کارهای شیخ بهائی تعیین سمت قبله مسجد امام به مقیاس چهل درجه انحراف غربی از نقطه جنوب
- ۲۵ ۹- همچنین طراحی منار جنبان اصفهان
- ۲۵ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

زندگی نامه شیخ بهائی

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران سرشناسه: ذاکری مصطفی ۱۳۱۴ - عنوان و نام پدیدآور: شیخ بهایی، زندگی و آثار او/مصطفی ذاکری منشا مقاله: کتاب ماه (دین)، ش ۱۴۹، اسفند ۱۳۸۸: ص ۵۹-۸۴ توصیفگر: شیخ بهائی محمد بن حسین ۹۵۳ ۱۰۳۱ق. توصیفگر: رساله خلاصه الحساب توصیفگر: سرگذشت نامه‌های فردی توصیفگر: ریاضیات

۱- زندگی نامه

ولادت

ولادت محمد بن حسین بن عبد الصمد حارثی، معروف به شیخ بهایی در سال ۹۵۳ ق در شهر بعلبک لبنان به دنیا آمد. پدر بهاءالدین فقیه مشهور شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد حارثی همدانی عاملی فقیه شیعی در روستای جبع نزدیک شهر ساحلی صیدا (صیدون) که امروز در جنوب لبنان قرار دارد، در اول محرم ۱۹-۹۱۸ / مارس ۱۵۱۲ متولد شد. «۱» ناحیه "جبل عامل" همواره یکی از مراکز شیعه در مغرب آسیا بوده است و پیشوایان و دانشمندان شیعه که از این ناحیه برخاسته اند، بسیارند. در هر زمان، حتی امروزه فرق شیعه در جبل عامل به وفور می زیسته اند و در بنیاد نهادن مذهب شیعه در ایران و استوار کردن بنیان آن مخصوصاً از قرن هفتم هجری به بعد یاری بسیار کرده و در این مدت پیشوایان بزرگ از میان ایشان برخاسته اند و خاندان بهائی نیز از همان خانواده های معروف شیعه در جبل عامل بوده است. نسب شیخ حسین به حارث همدانی، صحابی جلیل القدر امیر المؤمنین علیه السلام می رسد. حارث همدانی در جنگ صفین و جمل از یاوران استوار امیر مؤمنان بود و تا پایان جنگ ایستادگی نمود. او در عصر خود از مشاهیر علمای اعلام و فقهای کرام بود. وی سالیانی متمادی همراه با هم ولایتی جبعی اش، فقیه مشهور زین الدین عاملی (۶۵-۹۱۱ / ۵۸-۱۵۰۶) که در سنت شیعی به شهید ثانی- به واسطه شهادتش به دست مقامات عثمانی در ۹۶۵ / ۱۵۵۸- شناخته می گردد، گذرانده بود. او مبرزترین شاگرد زین الدین و مصاحب وی در جبع و همراه وی در سفرها بود. «۲» آن ها با یکدیگر در سال ۳-۹۴۲ / ۳۷-۱۵۳۵ به قاهره و مکه «۳» و به استانبول و عراق در ۵۳-۹۵۱ / ۴-۱۵۴۶ سفر کرده بودند. «۴» شیخ حسین در میان هم عصرانش همتایی در حدیث تفسیر قرآن فقه و ریاضیات نداشت. او آثار بسیاری در این حوزه ها نگاشته است. از جمله: کتاب درایة الحدیث. «۵» رساله فی تحقیق القبله. «۶» کتاب اربعین حدیث. کتاب شرح القواعد (حاشیه ای بر قواعد الاحکام نوشته محقق حلی متوفی ۶۷۶ / ۱۲۷۶). کتاب شرح الفیه (شرحی بر هزار بیت در نماز نوشته شهید اول متوفی ۷۸۶ / ۱۳۸۴). الرسالة الطهماسبیه فی بعض المسائل الفقهیه (رساله ای در پاسخ به سوالات فقهی شاه طهماسب). «۷» الرسالة الوسواسیه. «۸» رساله الرضاعیه (رساله ای در مورد مسأله رضاعت). شیخ حسین همچنین حواشی بر کتب ریاضی و تعلیقاتی چند و منشآت فراوانی تألیف نموده است.

مهاجرت پدر شیخ به ایران و منصب شیخ الاسلامی

مهاجرت پدر شیخ به ایران و منصب شیخ الاسلامی تقریباً بعد از گذراندن چهار دهه مطالعه و تدریس در قلمرو عثمانی در میانه قرن شانزدهم به ایران تحت سیطره صفویان مهاجرت نمود. در دوره حکومت شاه طهماسب صفوی، شیخ حسین از جبل عامل همراه با همسر و وابستگانش حدود سال ۹۶۰ ق به اصفهان آمد. او سه سال در آن جا اقامت نمود و به تدریس علوم دینی و اشاعه تعالیم

دین پرداخت. علمای ایران به تلمذ نزد او پرداختند. زمانی که شیخ علی ملقب به منشار شیخ الاسلام اصفهان دریافت که شیخ حسین در اصفهان است خبر ورودش را به شاه طهماسب که در آن موقع در قزوین بود رساند. چون شاه از این خبر آگاهی یافت خود شخصاً به شیخ حسین نامه نوشت و خلعتی برای وی فرستاد و از او خواست به قزوین که در آن هنگام پایتخت بود برود. شیخ حسین به قزوین که رسید سلطان نهایت احترام را در حقش به جا آورد و او را به منصب شیخ الاسلامی قزوین منصوب نمود. «۹» ایشان هفت سالی متصدی این مقام بود. و نماز جمعه را به جای نماز ظهر در قزوین به جا می آورد. وی از جمله کسانی بود که به وجوب تعیینی نماز جمعه اعتقاد داشتند. همان گونه که شهید ثانی نیز چنین اعتقادی داشت. بعد از آن به او دستور داده شد که به مشهد، شهر مقدس و مدفن امام رضا (ع) برود و به مقام شیخ الاسلامی آن جا منصوب گردید. شیخ حسین مدتی را در مشهد به سر برد. از آن جایی که اکثر اهل هرات از معرفت و شناخت ائمه اثنی عشر و تدین به مذهب اهل بیت (ع) عاری بودند، شاه طهماسب به شیخ حسین دستور داد که به هرات برود و در آن جا اقامت کند و خطاکاران آن ناحیه را ارشاد کند. شاه سه روستای آن بلد را به عنوان اقطاع به وی بخشید. سلطان به شاه قلی سلطان، امیر خراسان دستور داد که هر جمعه بعد از دو نماز او باید شاهزاده محمد خدابنده (پسر شاه طهماسب) را به مسجد جامع کبیر هرات برای شنیدن احادیث پیامبر و ائمه نزد شیخ حسین ببرد. شاه به شاه قلی سلطان دستور داد که شاهزاده را وادار به اطاعت از اوامر و منهیات شیخ حسین کند و هیچ کس نباید با خواسته شیخ مخالفت کند. شیخ حسین مدت هشت سال در هرات به افاده علوم دینی و اجرای احکام شرعی و تبلیغ اعمال و اوامر دینی مشغول بود و بدان سبب خلق کثیری از هرات و نواحی مجاورش به تشیع گرویدند و به مذهب امامیه پیوستند و آن ناحیه از وجود مخالفان طاهر گردید. طلاب و حتی فقها و علما از نواحی مختلف ایران و ماوراءالنهر برای سماع حدیث از شیخ حسین و تلمذ علوم دینی و تحقیق معارف شرعی به نزد او می رفتند. پس از مدتی شیخ از هرات به قزوین سفر کرد تا بار دیگر با شاه دیدار کند. وی از شاه طهماسب رخصت رفتن به زیارت بیت الله الحرام برای خود و فرزندش، شیخ بهایی را نمود، اما تنها به وی رخصت داده شد و شاه به فرزندش شیخ بهایی رخصت رفتن به حج را نداد. شاه از شیخ بهایی خواست تا در قزوین بماند و امر تدریس علوم دینی را بر عهده بگیرد. شیخ حسین به زیارت خانه خدا شتافت. هنگامی که از تشرف خانه خدا و زیارت مدینه فارغ گشت، از راه بحرین بازگشت، جایی که او در آن جا ماند و سکنی گزید، و در ۸ ربیع الاول ۹۸۴ / ۵ ژوئن ۱۵۷۶ همان جا درگذشت. «۱۰»

شیخ بهائی - سفر به ایران

شیخ بهائی - سفر به ایران شیخ بهایی در دوران کودکی (هفت یا سیزده سالگی) همراه پدر، به ایران سفر کرد. و در پایتخت ایران یعنی شهر قزوین که مرکز تجمع دانشمندان شیعه بود سکنی گزید و ظاهراً هنگام سفر پدرش به هرات همراه وی نبوده است زیرا وی در آن هنگام در قزوین به کسب علوم اشتغال داشته است. مقداری از تحصیلات خود را در وطن فرا گرفته بود که به اصفهان وارد شد و در آنجا نیز با جدیت تمام به تحصیل علوم مختلف پرداخت. چندی نیز در مشهد به تحصیلات خود ادامه داده و ظرف مدت کوتاهی مقبولیت عام یافت و از سوی شاه عباس صفوی نهایت احترام برای او رعایت می شد. در سال ۱۰۰۸ ق به همراه شاه عباس صفوی با پای پیاده و بدون آنکه سوار بر مرکبی شود عازم مشهد مقدس گردید. هوش و ذکاوت و اطلاعات عمیق او مورد توجه دانشمندان و علمای وقت قرار گرفت و در نتیجه روز به روز به شهرتش افزوده شد، بطوریکه فقیهی بنام شیخ منشار که شیخ الاسلام وقت بود او را به جانشینی خود انتخاب و دخترش را به عقد شیخ بهائی درآورد. شیخ بهائی، حکیم عارف، فقیه، ادیب، ریاضیدان و مهندسی برجسته بود و چون از قدرت سخنوری بهره کافی داشت در محافل و مجالس ادبی و سیاسی و علمی طرفداران زیادی را کسب کرد تا آنجا که با توجه به معلومات و محبوبیتش به مقام وزارت منصوب شد.

منصب شیخ الاسلامی

منصب شیخ الاسلامی شیخ بهایی پس از شیخ علی منشار، در ۴۳ سالگی به سال ۹۹۶ ق منصب شیخ الاسلامی دولت صفویه در اصفهان را عهده‌دار شد، که مهم‌ترین منصب روحانیت در آن دوره بوده «۱۱» و وظیفه آن رفع ظلم از مظلومان، امر به معروف و نهی از منکر و تحقیق و بیان احکام شریعت برای مردم بود. و در سال ۱۰۰۶ که پایتخت از قزوین به اصفهان منتقل شد نیز همین مسئولیت را تا هفتاد و پنج سالگی (آخر عمر) به عهده داشت و از امکانات این دولت شیعی نهایت استفاده را برای ترویج تشیع نمود. وی پس از مدتی قصد سفر کرد و مسافرتی طولانی را آغاز نمود. یکی از عواملی که باعث این سفر شد علاقه شیخ به سیاحت و دیدن و تجربه اندوزی بود. عامل دیگر که سهم مهمی در این سفرها داشت حسادت اطرافیان بود که نمی‌توانستند موقعیت و احترام شیخ را در دربار صفوی تحمل کنند. (او در بعضی نوشته‌های خود به این مطلب اشاره کرده است). شیخ که اوضاع را چنین می‌دید برای رهایی از حسادت اطرافیان یا عزلت اختیار می‌کرد یا برای مدتی دست به سفر می‌زد.

سفرها

سفرها بهایی علیه الرحمه حدود ۳۰ سال از عمر خود را در سفر گذراند و به شهرها و کشورهای گوناگون سفر نمود، از جمله: ۱- اولین سفر او از بعلبک به اصفهان بود که تا رسیدن به مراتب بالای علمی در آنجا سکنی گزید. که به سال ۹۶۰ یا ق انجام گرفت. ۲- به سبب عواملی که ذکر شد از اصفهان به عراق و حجاز رفت و عتبات عالیات را زیارت نموده و حج خانه خدا را نیز به انجام رساند. بهائی در سال ۹۸۴ ق برای حج به مکه سفر کرد و در سال ۹۹۲ سفر دوم خود را به حجاز آغاز نمود. ۳- در سال ۱۰۰۸ ق در سفری به مشهد مقدس همراه شاه عباس کبیر فاصله اصفهان تا مشهد رضوی را پیاده طی نمود. ۴- سفری به کشور مصر داشت و در آنجا کتاب معروف خود، کشکول را تألیف کرد. ۵- سفر به کشورهای روم و شام و بیت المقدس را پس از مراجعت از مصر در دستور کار خود قرار داد. ۶- از شام عازم حلب شد و در پایان عمر خویش به اصفهان برگشت و سالیانی چند در آن دیار ساکن شد. متأسفانه جز چند یادداشت مختصر توسط بعضی اطرافیان و همراهان شیخ، سفرنامه‌ای از این سفر ۳۰ ساله شیخ به دست ما نرسیده، در حالی که اگر شیخ در طول سفرهای خود سفرنامه‌ای تهیه می‌نمود یکی از گرانقدرترین و با ارزش‌ترین اسناد تاریخی گشته و سفرنامه‌ای منحصر به فرد می‌شد. شیخ در این سفرها بیشتر به لباس سیاحان و مردم عادی سفر می‌کرد و ناشناس بود. روایاتی چند از بزرگان حلب و شام و ... در دست است که شیخ را در لباس سیاحان دیده‌اند و هنگامی که شیخ در جلسه‌ای لب به سخن گشوده، از فضائش او را شناخته‌اند و شیخ فوراً آن شهر را ترک گفته که نزد عموم شناخته نشود.

جامعیت

جامعیت یکی از خصایص شیخ بهایی جامعیت اوست در علوم و فنون مختلف و شیخ در زمینه‌های گوناگون تألیفاتی نیز دارد. علاوه بر آن، جامعیت در شخصیت داشته که بسیار مهم‌تر از جامعیت در علوم است. شیخ بهایی آنچنان بود که اهل تسنن او را سنی می‌دانستند و صوفیه او را از بزرگان تصوف می‌پنداشتند و ...

وفات

وفات مردان الهی با رفتن از دنیا نمی‌میرند بلکه تا ابد در یاد و خاطر آیندگان زنده‌اند و برکات آنان خلاصه در ایام زندگیشان نیست بلکه پس از وفات نیز بواسطه تألیفات و شاگردان و باقیات الصالحاتی که بر جای گذارده‌اند منشأ بسیاری از عنایات الهی بر

مردم هستند. شیخ بهایی نیز از آن جمله است که در عمری سراسر تلاش در راه رضای حضرت حق شاگردانی تربیت نمود و آثاری از خود برجای گذارد که هر یک باقیات الصالحاتی برای او هستند. او بی‌صبرانه دعوت حق را لبیک گفت و در سال ۱۰۳۰ هجری به دیار جاوید شتافت. بدن مطهر او را از اصفهان به مشهد مقدس انتقال داده و در جوار امام رضا علیه السلام به خاک سپردند. در نماز او که شاگرد بزرگوارش مجلسی اول آن را اقامه کرد نزدیک به ۵۰ هزار نفر شرکت داشتند. تاریخ تولد و وفات شیخ بهایی بر روی سنگ قبر و کاشیکاری‌های دیوار اتاق مقبره اندکی متفاوت است:

تاریخ تولد

تاریخ تولد: کتیبه کاشیکاری دیوار: ذیحجه هجری قمری (برابر با پنجشنبه اسفند خورشیدی، و فوریه) کتیبه سنگ قبر: غروب پنجشنبه محرم الحرام هجری قمری (برابر با فروردین خورشیدی، و مارس)

تاریخ وفات

تاریخ وفات: کتیبه کاشیکاری دیوار: شوال هجری قمری (برابر با شهریور خورشیدی، و اوت) کتیبه سنگ قبر: شوال هجری قمری (برابر با مرداد یا شهریور، و اوت) کتیبه دیوار در سال خورشیدی در زمان استانداری علی منصور ساخته شده است و حاوی تاریخ روز، ماه و سال می‌باشد، در حالی که کتیبه سنگ قبر فقط حاوی تاریخ ماه و سال است. به نظر می‌رسد که در هنگام بازسازی اتاق تحقیقاتی درباره تاریخ تولد و وفات انجام شده باشد و به این خاطر تاریخ روز به کتیبه کاشیکاری اضافه گشته است. در این صورت به نظر می‌رسد که تاریخ‌های کتیبه دیوار دقیق‌تر باشند. برای آشنایی بیشتر با زندگی شیخ بهائی به منابع زیر می‌توان رجوع کرد:

۱. اعیان الشیعه، سید محسن امین، ج ۴۴، ص ۲۱۶. ۲. أمل الآمل، حرّ عاملی، ج ۱، ص ۱۵۵. ۳. تاریخ عالم آراء عباسی (فارسی)، ج ۲، ص ۹۶۷. ۴. نصر آبادی، محمد طاهر، تذکره نصر آبادی (فارسی)، ص ۱۵۰. ۵. تنقیح المقال، شیخ عبد الله ممانی، ج ۳، ص ۱۰۷. ۶. الدرر المنثور، شیخ آغا بزرگ طهرانی، ج ۱۳، ص ۱۷۷، ۲۲۷، ۲۳۲، ۲۵۶، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳. ج ۲۱، ص ۵۰، ۲۵۱، ۳۷۹، ۳۹۷، ۴۰۱، ۴۰۴، ۴۰۷. ج ۲۴، ص ۶۵، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۹۷، ۲۰۹، ۲۱۶. و مجلدات دیگر. ۷. روضات الجنّات فی أحوال العلماء والسادات، علامه شیخ محمد باقر موسوی خوانساری، ج ۷، ص ۵۷، رقم ۵۹۹. ۸. ریحانة الأدب، مدرّس تبریزی، ج ۳، ص ۳۰۱. ۹. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ج ۱، ص ۱۱۳. ۱۰. الفوائد الرضویة، شیخ عباس قمی، ص ۵۰۳. ۱۱. الکنی والألقاب، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۱۰۰. ۱۲. و همچنین: کتابهای منتخب التواریخ، قصص العلماء، التّیبهات و مطلع الشمس. «۱۲»

(۱) الاصفهانی، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۱۰ (۲) علی بن محمد العاملی، الدر المنثور من المأثور و غیر المأثور، ج ۲ (قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی) ج ۲، ص ۱۹۱. تمام ارجاعات به الدر المنثور به نقل از رساله منقول در آن با عنوان بغیة المرید فی الكشف عن احوال الشهید، نوشته شاگرد شهید ثانی، محمد بن علی بن حسن عودی است. همان، ج ۲، ص ۱۴۹-۱۹۸. (۳) الدر المنثور، ج ۲، ص ۶۸-۱۹۱، ۱۶۱. (۴) الدر المنثور، ج ۲، ص ۸۲-۱۹۱، ۱۷۰. (۵) این کتاب همان وصول الاخیار الی الاصول الاخبار است که دوباره به چاپ رسیده است. تهران ۸۹-۱۸۸۸ و تحقیق عبداللطیف الکوه کمری، قم، مطبعة خیام، ۱۹۸۱. (۶) احتمالاً این همان رساله تحفه اهل ایمان فی قبله عراق العجم و خراسان باشد که در نسخه خطی موجود است. مدرسی طباطبایی، مقدمه ای بر فقه شیعه (لندن، ۱۹۸۴ ص ۱۳۹). (۷) احتمالاً این اثر همان التحفه الطهماسبیه فی المواعظ الفقهیه، مورد اشاره اصفهانی باشد. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۱۷. یا همچنین می‌تواند رساله حسین در پاسخ به دو سؤال فقهی که وی در سال ۹۶۸ / ۱۵۶۱ در پاسخ به شاه طهماسب تحریر نموده، باشد. این نوشته در نسخه خطی باقی است. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۲۰

ج (قم ۱۹۵۷) ج ۲، ص ۳۴۵؛ مدرسی، مقدمه ای بر فقه شیعه، ص ۱۰۶ (۸) گویا همان رساله العقد الحسینی یا العقد الطهماسییه باشد. (۹) دوین، جی استوارت، مجله آینه پژوهش، خرداد و تیر ۱۳۸۰، شماره ۶۸، رحمتی، محمد کاظم (۱۰) لؤلؤة البحرین، ص ۲۸. (۱۱) ترتیب مناصب روحانیت در دوره صفوی: صدرخاصه، صدرعامه (یا صدرالممالک) قاضی دار السلطنه، قاضی عسکر و شیخ الاسلام، مینورسکیت، میرزا سمیع، تذکره الملوک ص ۱-۴ (۱۲) آل قیس، قیس، ماهنامه آفاق الحضارة الاسلامیه، شماره ۸، شخصیه العدد، الشیخ البهائی العاملی بهاءالدین (۹۵۳-۱۰۳۱ ه). شخصیت شناسی، ص: ۲

۲- آثار شیخ بهائی

اشاره

۲- آثار شیخ بهائی با وجود سفرهای طولانی و منصب‌های اجرایی که شیخ با استفاده از آنها به ترویج مکتب تشیع مبادرت می‌ورزید و کارهای عمرانی فراوان مانند بناهای به یاد ماندنی در شهرهای مختلف از جمله مرقد امیر المؤمنین علیه السلام، مسجد امام اصفهان و... که داشت هیچ گاه از امر مهم تألیف و تصنیف غافل نمانده به طوری که در علوم مختلف تألیفاتی دارد. او در شمار مؤلفان پر اثر در علوم مختلف است و آثار او که تماماً موجز و بدون حشو و زواید است، مورد توجه دانشمندان پس از او قرار گرفته و بر شماری از آنها شروع و حواشی متعددی نگاشته شده است. خود بهائی نیز بر بعضی تصانیف خود حاشیه ای مفصل تر از اصل نوشته است.

آثار فقهی و حدیثی

آثار فقهی و حدیثی ۱- الإثنی عشریات الخمس: در شش باب طهارت، صلات، زکات، خمس، صوم و حج است. بهائی در این اثر بدیع، مسائل فقهی هر باب را به قسمی ابتکاری بر عدد دوازده تطبیق کرده است، خود وی نیز بر آن شرح نگاشته است. ۲- «الأربعون حدیثاً» (تألیف ۹۹۵) معروف به اربعین بهائی. این کتاب حواشی فراوانی دارد. مثل: أ. حاشیه اسماعیل بن محمد حسین بن محمد رضا بن علاء الدین محمد مازندرانی متوفی سنه ۱۱۷۳ ه. ب. حاشیه برادر مؤلف عبد الصمد بن حسین بن عبد الصمد متوفی سنه ۱۰۲۰ ه. ج. حاشیه سید عبدالله بن نور الدین بن محدث جزائری متوفی سنه ۱۱۷۳ ه. د. الجامع العباسی. ۴- جوابات الشاه عباس الصفوی. ۵- جوابات المسائل الجزائریه (جوابات شیخ صالح جزائری). ۶- حاشیه ای بر الرجال النجاشی. ۷- حاشیه شرح مختصر الأصول. ۸- حاشیه ای بر من لایحضره الفقیه. ۹- الجبل المتین، فی أحكام الدین. (تألیف ۱۰۰۷) در فقه که تا پایان صلوه نوشته است و در آن به شرح و تفسیر بیش از یک هزار حدیث فقهی پرداخته شده است. این کتاب به چهار بخش تقسیم می شود: أ. العبادات. ب. العقود. ج. الايقاعات. د. الأحكام. ۱۰- رساله ای در أحكام السجود. ۱۱- رساله ای در ذبائح أهل الكتاب. ۱۲- الوجیزه. ۱۳- رساله ای در الفقه و الصیلاه. ۱۴- رساله ای در المیراث. ۱۵- رساله ای در طبقات الرجال. ۱۶- رساله ای در القصر بالصلاه و التخییر فی السفر. ۱۷- رساله ای در مباحث الکر. ۱۸- رساله ای در معرفه القبلة. ۱۹- الزبده فی أصول الفقه، که تا مدتها کتاب درسی حوزه های علمی شیعه بود و دارای بیش از چهل شرح و حاشیه و نظم است. «۱» در عین ایجاز و اختصار از بهترین متون اصولی است که در این فن نوشته شده و نویسنده چیزی از رؤس مطالب اصول فقه را در آن فرو نگذارده و به تمام اطراف و جوانب آن پرداخته است. این همان کتاب اعجاز گونه‌ای است که شیخ در پدید آوردن آن با سعد الدین تفتازانی که در تصنیف متن تهذیب به خود می‌بالید و می‌گفت: «هر کس در آوردن متنی کوتاهتر از این توانا باشد معادل هر کلمه‌ای دویست درهم به وی جایزه دهم» به رقابت پرداخته و به تألیف زبده مبادرت نموده است و می‌گفت: اگر تفتازانی در این زمان زنده بود و از این کتاب

آگاهی داشت هزاران درهم به عنوان جایزه به من می‌پرداخت. «۲» ۲۰- الرسالة الاثنی عشرية. این کتاب شروح فراوانی دارد: ا. شرح شیخ زین العابدین بن حسن عاملی. ب. شرح شیخ سلیمان بن عبد الله ماحوزی بحرانی متوفی سنه ۱۱۲۱ هـ. صاحب کتاب «المعراج». ج. شرح علامه عبد الحسین بن قاسم حلّی نجفی متوفی سنه ۱۳۷۵ هـ. ۲۱- شرح کتاب «من لایحضره الفقیه». ۲۲- «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین»، یا «مجمع الثورین و مطلع الثیرین» (تألیف ۱۰۱۵)، که ارائه فقه استدلالی شیعه بر مبنای قرآن (آیات الاحکام) و حدیث است. این اثر دارای مقدمه بسیار مهمی در تقسیم احادیث و معانی برخی اصطلاحات حدیثی نزد قدما و توجیه تعلیل این تقسیم بندی است. از اثر مذکور تنها باب طهارت نگاشته شده و بهائی در آن از حدود چهارصد حدیث صحیح و حسن بهره برده است. ۲۳- مصباح العابدین. ۲۴- مفتاح الفلاح. این کتاب به پنج بخش تقسیم می‌شود: ا. اعمال بین الطلوعین. ب. اعمال از طلوع خورشید تا زوال. ج. اعمال از غروب تا وقت خواب. ه. اعمال وقت خواب تا نصف شب. و. اعمال نصف شب تا طلوع فجر. ۲۵- حاشیه‌هایی بر القواعد الشهیدیه. ۲۶- حاشیه‌ای بر کتاب «مختلف الشیعه فی احکام الشریعه». ۲۷- مقاله‌ای در امتناع الزوجه عن مطلق الاستماع. ۲۸- مقاله‌ای در سجدهات القرآن و احکامها و آدابها. ۲۹- مقاله‌ای در ما لا تتم به الصیلاه من الحریر. ۳۰- مقاله‌ای در وجه التغلب فی قوله سبحانه و تعالی: «مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» - آیه ۱۰، سوره الملک. ۳۱- رساله‌ای در نجاسة ذبائح الکفار و صنائعهم. ۳۲- رساله‌ای در وحده الوجود. ۳۳- الفوز والأمان فی مدح صاحب الزمان (عج).

آثار تفسیری

آثار تفسیری ۳۴- حاشیه‌ای بر تفسیر البیضاوی. ۳۵- کتاب حلّ الحروف القرآنیة. ۳۶- حاشیه‌هایی بر تفسیر الکشاف. ۳۷- شرح تفسیر البیضاوی. ۳۸- تفسیر العروة الوثقی، (تفسیر سوره حمد). ۳۹- تفسیر «عین الحیاء».

آثار ریاضی، نجوم، طبیعیات و هیئت

آثار ریاضی، نجوم، طبیعیات و هیئت ۴۰- بحر الحساب. ۴۱- خلاصه الحساب. (خلاصه کتاب بحر الحساب). این کتاب نیز از شروح زیادی برخوردار است. مثل: شرح خلاصه الحساب (فارسی)، میر ابی طالب بن میرزا بیگ. شرح خلاصه الحساب، میرزا ابوالقاسم بن میرزا کاظم موسوی زنجانی متوفی سنه ۱۲۹۲ هـ. شرح خلاصه الحساب، امیر معین الدین محمد اشرف بن حبیب الله بن عمادالدین لطف الله شیرزای حسینی طباطبائی. ۴۲- الأسطرلاب. ۴۳- رساله تضاریس الأرض. ۴۴- رساله حساب (فارسی). ۴۵- رساله‌ای در تحقیق جهه القبلة. ۴۶- رساله‌ای در أنّ انوار سائر الکواکب تستفاد من الشمس. ۴۷- رساله‌ای در حل اشکال عطارد و قمر (فارسی). ۴۸- رساله‌ای در نسبة أعظم الجبال إلى قطر الأرض. ۴۹- شرح کتاب شرح الملخص فی الهیئه. ۵۰- شرح حقّ المبین. ۵۱- الصحیفه الأسطرلابیه. ۵۲- لغز القانون. ۵۳- رساله‌ای در التقوم. ۵۴- میزان المقادیر. ۵۵- رساله‌ای در القطر إلى المحيط.

آثار ادبی و حکمت

آثار ادبی و حکمت ۵۶- کتاب أسرار البلاغه. ۵۷- دیوان شعر. ۵۸- «کلیات أشعار و آثار فارسی شیخ بهائی». (که ظاهراً همین چند کتاب موش و گربه، نان و حلوا و باشد). ۵۹- «پند اهل دانش و هوش بزبان گربه و موش». ۶۰- مثنوی نان و پنیر. ۶۱- مثنوی نان و حلوا. «۳» این کتاب آمیخته‌ای از مواعظ، طنز، حکایت، تمثیل و لطایف عرفانی و معارف برین بشری است. با زبانی روان و دلنشین. نان و حلوا ترسیمی است از ریاکاری، تلبیس و غرور به مال و منال و عنوان و منصب دنیایی. بهایی در یکی از بخش‌های این مثنوی به دوری از سلاطین که خود آن را از نزدیک تجربه کرده بود اشاره می‌کند، چرا که قرب شاهان غارت دل و دین را در پی دارد در مجموع، مثنوی نان و حلوا از جمله آثار شیخ بهایی است که در تبیین دیدگاه و اندیشه سیاسی او می‌توان بدان استناد

کرد. (۵) ۶۲- مثنوی شیر و شکر. ۶۳- مثنوی نان و خرما. ۶۴- تهذیب البیان. این کتاب هم شروحي دارد. مثل: أ. شرح شیخ محمد بن علی حرفوشی متوفی سنه ۱۰۵۹ هـ. ب. شرح سید نعمه الله جزائری بنام مفتاح اللیب. ۶۵- الفوائد الصمدیه فی علم العربیه. بر این کتاب شیخ نیز شروحي نوشته اند. مثل: أ. الفرائد الشمسیه فی شرح الفوائد الصمدیه، شیخ جمال الدین احمد بن محمد لاهیجانی ب. الفرائد العسجدیه فی شرح الفوائد الصمدیه، سید رضا بن سید محسن حلّی. ۶۶- کشکول، اولین کتاب با نام کشکول از شیخ بوده و پس از او این نام برای کتب بسیاری انتخاب شد. «۴» این کتاب بصورت جنگی آزاد، شامل شعرها و نثرهای مورد علاقه بهایی است که برخی از خود وی و برخی نیز گردآوری او از دیوانها و کتابهای مورد علاقه‌اش بوده‌اند. این مطالب اغلب بی هیچ نظم خاصی به دنبال هم آمده‌اند. لیکن بیش از سایر تالیفات وی خواننده را به ضمیر فکری بهایی نزدیک می‌کند. ۶۷- کتاب المخلاة. ۶۸- وسیله الفوز و الأمان فی مدح صاحب الزمان. ۶۹- نامه شیخ بهائی، بهاء الدین محمد بن حسین بن عبد الصمد، به میرزا ابراهیم همدانی. ۷۰- رساله ای در الوجود الذهنی.

آثار دعایی

آثار دعایی ۷۱- حدائق الصالحین (ناتمام). شرحی است بر صحیفه سجاده که هر یک از ادعیه آن با نام مناسبی شرح شده است. از این اثر تنها الحدیقه الهلالیه در شرح دعای رؤیت هلال (دعای چهل و سوم صحیفه سجاده) در دست است. ۷۲- الحدیقه الهلالیه، شامل تحقیقات و فوائد نجومی ارزنده است که سایر شارحان صحیفه از جمله سید علیخان مدنی در شرح خود موسوم ریاض السالکین از آن بسیار استفاده کرده اند. همچنین فوائد و نکات ادبی، عرفانی، فقهی و حدیثی بسیار در این اثر موجز به چشم می‌خورد. ۷۳- الحدیقه الصوفیه. ۷۴- الحدیقه الأخلاقیه. ۷۵- شرح دعاء صباح. ۷۶- همچنین رساله‌های فراوان دیگری که در زمینه های مختلف نگاشته است. «۵» ()

آل قیس، قیس، ماهنامه آفاق الحضارة الاسلامیه، شماره ۸، شخصیه العدد، الشيخ البهائی العاملی بهاء الدین (۹۵۳-۱۰۳۱ هـ) (۲) شیخ بهایی، زبدة الاصول. ۳ امامی، سید مهدی، فصلنامه تحقیقات اسلامی، شماره ۴۵، کتاب زبدة الاصول شیخ بهایی (۳) آل قیس، قیس، ماهنامه آفاق الحضارة الاسلامیه، شماره ۸، شخصیه العدد، الشيخ البهائی العاملی بهاء الدین (۹۵۳-۱۰۳۱ هـ) (۴) آل قیس، قیس، ماهنامه آفاق الحضارة الاسلامیه، شماره ۸، شخصیه العدد، الشيخ البهائی العاملی بهاء الدین (۹۵۳-۱۰۳۱ هـ) (۵) آل قیس، قیس، ماهنامه آفاق الحضارة الاسلامیه، شماره ۸، شخصیه العدد، الشيخ البهائی العاملی بهاء الدین (۹۵۳-۱۰۳۱ هـ) شخصیت شناسی، ص: ۳

۳- اساتید و تلامید

۱- اساتید شیخ بهائی

۱- اساتید شیخ بهائی علامه ذو فنون، شیخ بهائی کبیر، اینهمه کمالات و علوم را از اساتید فراوانش آموخته است. اساتیدی که شیخ مدتها در محضر آنها زانوی ادب زده و با استعداد سرشار خویش از خرمن پر حاصل آنها خوشه‌ها چیده است. استادانی که هر یک معمار گوشه ای از شخصیت بزرگ شیخ بوده اند از این قرارند: ۱- شیخ أحمد کجائی گیلانی معروف به «پیر أحمد». ۲- قاضی مولی افضل قائی. [شیخ، ریاضی، کلام و فلسفه را از این استاد آموخت.] «۱» ۳- شیخ حسین بن عبد الصمد- پدرش- متوفی سنه ۹۸۴ ق. [او فقه و اصول، تفسیر، حدیث و ادبیات عرب را در نزد والد ارجمندش فرا گرفت.] «۲» ۴- مولی عبد الله بن الحسین یزدی شهابادی، متوفی سنه ۹۸۱ ق. [شیخ، منطق و کلام و معانی و بیان و ادبیات عرب را نزد این استاد خوانده است.] «۳» ۵- شیخ

عبد العالی کرکی، متوفی سنه ۹۹۳ ق. ۶- مولی علی مذهب المدرّس. ۷- شیخ عمر عرضی. ۸- محمد باقر بن زین العابدین یزدی، متوفی حدود سنه ۱۰۵۶ ق. ۹- محمد بن محمد بن ابی الحسن علی بن محمد بکری، متوفی سنه ۹۹۳ ق. ۱۰- شیخ محمد بن محمد بن محمد بن ابی اللطیف مقدسی شافعی، متوفی سنه ۹۹۳ ق. [او صحیح بخاری را نزد ایشان فرا گرفت.] «۴» ۱۱- عماد الدین محمود نطاسی شیرازی. [شیخ، طب را از این حکیم که طیب ویژه شاه طهماسب و مشهورترین پزشک ایران در آن دوره بود آموخت.] «۵» ۱۲- و دیگران

۲- شاگردان شیخ

۲- شاگردان شیخ شیخ بزرگوار، بهائی، پس از آنکه خود از محضر بزرگان و اندشمندان، توشه های فراوان برداشت، خود بسان ابری بهاری و پر برکت، بر مزرعه حاصلخیز جان و روح شاگردانی با استعداد، فیض رسانده و هر یک از آنها را به شخصیتی تاریخی و سر شناس مبدل گرداند. تعدادی از این افراد مستفیض از این قرارند: ۱- ابراهیم بن فخر الدین عاملی بازوری. ۲- ظهیر الدین ابراهیم همدانی، متوفی سنه ۱۰۲۵ ق. ۳- شیخ جواد بن سعد، معروف به فاضل جواد بغدادی. ۴- شیخ حسن علی بن عبد الله شوشتری. ۵- سید حسین بن سید حیدر بن قمر حسینی کرکی، متوفی سنه ۱۰۷۶ ق. ۶- مولی خلیل بن غازی قزوینی. ۷- سید میرزا رفیع الدین نائینی. ۸- شیخ زین الدین بن شیخ محمد بن شیخ حسن بن شهید ثانی. ۹- سلطان العلماء، متوفی سنه ۱۰۶۴ ق. ۱۰- صدر المتألهین شیرازی. معروف به ملا صدرا. ۱۱- شیخ زین الدین علی بن سلیمان بن درویش بن حاتم قدمی بحرانی. ۱۲- مولی مظفر الدین علی. ۱۳- سید ماجد بحرانی. ۱۴- مولی محسن فیض کاشانی، متوفی سنه ۱۰۹۱ ق. ۱۵- مولی محمد تقی مجلسی اول، متوفی سنه ۱۰۷۰ ق. ۱۶- مولی شریف الدین محمد رویدشتی. ۱۷- مولی محمد صالح بن احمد مازندرانی. ۱۸- شیخ محمد بن علی عاملی تبینی. ۱۹- شیخ محمد قرشی صاحب «نظام الأقوال». ۲۰- شیخ محمود بن حسام الدین جزائری (۱) شیخ بهایی، اربعین، مترجم:

عقیقی بخشایشی (۲) شیخ بهایی، اربعین، مترجم: عقیقی بخشایشی (۳) شیخ بهایی، اربعین، مترجم: عقیقی بخشایشی (۴) خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، ج (۵) شیخ بهایی، اربعین، مترجم: عقیقی بخشایشی؛ فارس، حسون کریم، گاهنامه میراث حدیث شیعه، شماره ۷، الحاشیه علی کتاب من لا یحضره الفقیه. شخصیت شناسی، ص: ۴

۴- مقامات شیخ

اشاره

[۴- مقامات شیخ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ شیخ بهائی تحت مراقبت و تربیت پدر به درجات بالای علمی رسید و منصب شیخ الاسلامی به وی واگذار گردید و وجودش منشأ خدمات بسیاری در حوزه اسلام و مسلمین شد. سپس به سیر و سفر روی آورد و تجربیات ارزشمندی به دست آورد و پس از سی سال به اصفهان باز گشت و در گوشه خلوت به ذکر و عبادت و تألیف و تصنیف و خدمت به مردم پرداخت. گویند وی اهل کشف و کرامت بود: روزی با جمعی از یاران و دوستان به قصد زیارت اهل قبور از منزل بیرون شد و به قبرستان عمومی شهر (تخت فولاد) رفت و مشغول خواندن دعا و فاتحه بود که ندایی به گوشش رسید؛ از همراهان پرسید: شما هم شنیدید؟ گفتند: نه! و از او با اصرار خواستند آنچه را شنیده است برای آنها بگویند. گفت: به من هشدار دادند که آماده مرگ باشم و با گریه و زاری روانه خانه شد و شش ماه بعد روز دوازدهم شوال ۱۰۳۱ از دنیا رفت. تشییع با شکوهی از وی بعمل آمد، جنازه او را به خراسان حمل و در کنار قبر مولایش امام هشتم علی بن موسی الرضا علیهم السلام به

خاک سپردند و زیارتگاه عموم مسلمانان به ویژه اهل دل است. گویند ندایی که از سوی قبر عارف معروف بابا رکن الدین به گوش وی رسید این بود: «شیخنا در فکر خود باش». بهائی علاوه بر علوم متداول و رسمی و تخصص در آنها در سیر و سلوک نیز راه گذارده بود خصوصا پس از رسیدن به مناصب رسمی که تشنگی باطن مردی وارسته را نمی نشانند، ترک تمام علائق گفته و پای در راه طریقت گذارده و برای درک صاحب نظری به هر دیار روی آورده و از خرمن اقبال بزرگان خوشه ها چیده و به فیض معنویت حرم شریف و پاک پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم نائل آمده است. خود در کشکول می گوید: سالها شد که روی بر دیوار دل بر آرم بگرد شهر و دیار تا بیابم نشان آدمیی کآید از وی نسیم محرمی در همان جا خود علوم رسمی را قیل و قال دانسته و تمنای ذوق وصال می کند. شیخ از چندین جهت دارای اخلاقی ممتاز و مخصوص بوده است:

۱- از نظر اعتدال و عدم افراط در عقائد و تعصبات ناروا

۱- از نظر اعتدال و عدم افراط در عقائد و تعصبات ناروا که نموداری از این رویه را در کشکول به نظاره می توان نشست. شیخ در این مجموعه همه گونه مطالب از هر فریق نقل نموده و نام آنان را با عظمت و احترام یاد کرده و با آنکه تخصص وی در علوم نقلی (فقه و حدیث) بود و در زمان وی فرقه اخباریان شیعه اکثریت علماء را تشکیل میدادهاوند، از تعرض مطالب عقلی آنهم با تجلیل و تعظیم بزرگان فن باکی نداشته است. مهمتر اینکه از کتب مشایخ اهل سنت به کثرت نقل کلام کرده و حتی با مقام شامخ خود در عملیات و مناصب ظاهری از تلمذ و شاگردی علمای سنی اعراض نمی کرده چنانکه مدتی در مصر از محضر استاد بکری رسماً استفاده کرده و صحیح بخاری را نزدش قرائت و از وی اجازه داشته است. بالا-تر اینکه حتی در نزد کسانی که وی را بزرگترین دانشمندان عصر می پنداشتند شاگردی خود را نزد مخالف و موالف مخفی نساخته و سخن بر طبق دلخواه مستمعان نمی پرداخت.

۲- جنبه تواضع و فروتنی شیخ است

۲- جنبه تواضع و فروتنی شیخ است که با مکنت علمی و شخصیت اجتماعی و مصاحبت اعیان زمان از نشست و برخاست با جمعی طلبه، نه تنها اعراضی نداشت بلکه بر مجالست رجال و اعیان ترجیح می داد. حتی گاهی لباس فقر و درویشی به بر می کرده و در ساحت انزوا سفر می نموده و خود بر این معنا مباهات می فرموده است. همچنین در بزرگداشت اهل علم و تقوی (تا آنجا که موجب اعجاب همگان و اذعان مخالفان می شد) فرو گذاری نمی کرد چنانکه زمانی ملا عبد الله شوشتری که از زهاد زمان بوده به منزل شیخ و به دیدار وی می رود هنگام نماز فرا می رسد. شیخ به مولانا پیشنهاد می کند که ما را به فیض جماعت نائل فرما و بر این امر اصرار می فرماید. «۱»

۳- سعه صدر شیخ و تحمل طعن مخالفین

۳- سعه صدر شیخ و تحمل طعن مخالفین که خواه ناخواه هر بزرگی که به جاه و عنوان بر دیگران تفوق داشته از آن مصون نمانده است. خاصه با درویش مسلکی شیخ و بزرگداشت عرفا و نقل کلام آنان که قهراً مورد اعتراض جمله ای از اخباریون و قشریون واقع می شده، منتهی چون شیخ به خود دل بستگی نداشته و با نهایت تواضع به همگان احترام می گذاشته از تندی این معنی می کاسته و با این همه از دق و طعن بعضی، مصون نمانده چنانکه از جوابی که به نامه بعضی معاصران داده به خوبی این مطلب مشهود است. «۲» با اینهمه در لابلای مطالب کتب شیخ، نام کسی به زشتی برده نشده و حتی از کسی گلایه و شکایتی مشهود نیست و حتی فرقه و جمعی مورد مدح شیخ قرار نگرفته. خلاصه زبان قلمش جز به خیر جاری نگشته است.

۴- گوشه دیگری که سزاوار است از چهره زندگی شیخ باز نمایم مقام زهد و اعراض شیخ از زخارف و عناوین دنیوی است

۴- گوشه دیگری که سزاوار است از چهره زندگی شیخ باز نمایم مقام زهد و اعراض شیخ از زخارف و عناوین دنیوی است که خود به طبع و اختیار خویش از منصب شیخ الاسلامی اصفهان (که با موقعیت و مرکزیت علمی این شهر) بزرگترین مقام علمی و ریاست مذهبی بوده، دست شسته و زمانی در لباس فقر و درویشی و به زهد و گوشه گیری به سر می برده و احیاناً که با ابناء زمان و رجال ملک و دولت خلط و آمیزش داشته فقط از نظر ضرورت و به قصد کار گشائی و تعدیل و جلو گیری لجام گسیختگی و خود کامی ارباب مناصب بوده است. ولی تلویحا و تصریحا در نقد مقام و منصب پرداخته و آرزوی فقر و فنا می کرده چنانکه نمونه های فراوانی از آن را در کشکولش می توان یافت و این خود شاهد صدقی است که شیخ دل بر دنیا نداشته و پای از علائق گسسته و از چرب و شیرین روزگار و فرزندان وی بیزاری داشته و همان بود که خود گفته: از کتان و سمور بیزارم باز میل قلندری دارم تکیه بر خوابگاه نقش بس است بر تنم نقش بوریا هوس است دلم از قیل و قال گشته ملول ای خوشا خرقة و خوشا کشکول کوتاه سخن آنکه شیخ حقا مردی وارسته بوده و با همه فضائل، خود را به هیچ می شمرد و همیشه بر بی برگی نهال عمر حدیث نفس می کرده و مکرر از اینکه در زندان علائق گرفتار گشته و رشته آن کمالات (که پدرانش بدان پیوسته بودند) از دست گذاشته تاسف می خورد.

۵- خصیصه دیگر شیخ خدمتگزاری و دستگیری وی است که از بذل علم و انفاق مال و خدمت به خلق کوتاهی نداشته

۵- خصیصه دیگر شیخ خدمتگزاری و دستگیری وی است که از بذل علم و انفاق مال و خدمت به خلق کوتاهی نداشته و با همه جاه و مقام با روی گشاده از ارباب حوائج استقبال کرده و آستانه منزلش پناه مستمندان و درون خانه اش پرورشگاه ایتم بوده است. «۳» او بسیار بخشنده بود و سرای عالی داشت که یتیمان و زنان بدان پناه می بردند و بسیار کودکان نوزاد در آن شیر خوردند و بسیار مردم از آن پناه جستند. وی به مردم بسیار چیز می بخشید ولی با آن همه تقرب، میل به پادشاه نداشت و بیش تر مایل به تنهایی و جهان گردی بود. «۴» (۱) خاتمه مستدرک. (۲) تفصیل این داستان را در کشکول، ص ۷۴، چاپ مصر، ملاحظه کنید. (۳) شیخ بهایی، کاظم شانه چی دانشیار دانشگاه مشهد. (۴) سلافة العصر، ص ۲۹۱.. شخصیت شناسی، ص: ۵

۵- شیخ بهائی، ادیبی کم نظیر

اشاره

۵- شیخ بهائی، ادیبی کم نظیر شیخ بهائی آثار برجسته ای به نثر و نظم پدید آورده است. وی با زبان ترکی نیز آشنایی داشته است. عرفات العاشقین (تألیف ۱۰۲۲-۱۰۲۴)، اولین تذکره ای است که در زمان حیات بهائی از او نام برده است. بهترین منبع برای گردآوری اشعار بهائی، کشکول است تا جائی که به عقیده برخی محققان، انتساب اشعاری که در کشکول نیامده است به بهائی ثابت نیست. از اشعار و آثار فارسی بهائی دو تألیف معروف تدوین شده است؛ یکی به کوشش سعید نفیسی با مقدمه ای ممّع در شرح احوال بهائی، دیگری توسط غلامحسین جواهری و جدی که مثنوی منحول «رموز اسم اعظم» (ص ۹۴-۹۹) را هم نقل کرده است. با این همه هر دو تألیف حاوی تمام اشعار و آثار فارسی شیخ نیست. اشعار فارسی بهائی عمدتاً شامل مثنویات، غزلیات و رباعیات است. وی در غزل به شیوه فخرالدین عراقی و حافظ، در رباعی با نظر به ابو سعید ابوالخیر و خواجه عبدالله انصاری و در

مثنوی به شیوه مولوی شعر سروده است. ویژگی مشترک اشعار بهائی میل شدید به زهد و تصوّف و عرفان است.

از مثنویات معروف شیخ

از مثنویات معروف شیخ می‌توان از اینها نام برد: «نان و حلوا یا سوانح سفر الحجاز»، این مثنوی ملّمچنانکه از نام آن پیداست در سفر حج و بر وزن مثنوی مولوی سروده شده است و بهائی در آن ابیاتی از مثنوی را نیز تضمین کرده است. او این مثنوی را به طور پراکنده در کشکول نقل کرده و گردآورندگان دیوان فارسی وی ظاهراً به علت عدم مراجعه دقیق به کشکول متن ناقصی از این مثنوی را ارائه کرده اند. «نان و پنیر»، این اثر نیز بر وزن و سبک مثنوی مولوی است. «طوطی نامه» نفیسی این مثنوی را که از نظر محتوا و زبان نزدیکترین مثنوی بهائی به مثنوی مولوی است، بهترین اثر ادبی شیخ دانسته و با آنکه آن را در اختیار داشته جز اندکی در دیوان بهائی نیاورده و نام آن را نیز خود براساس محتوایش انتخاب کرده است. «شیر و شکر»، اولین منظومه فارسی در بحر خَبَب یا مُتدارک است. در زبان عربی این بحر شعری پیش از بهائی نیز مورد استفاده بوده است. «شیر و شکر» سراسر جذب و اشتیاق است و علی‌رغم اختصار آن «۱» مشحون از معارف و مواعظ حکمی است، لحن حماسی دارد و منظومه ای بدین سبک و سیاق در ادب فارسی سروده نشده است. مثنویهایی مانند «نان و خرما»، «شیخ ابوالپشم» و «رموز اسم اعظم» را نیز منسوب بدو دانسته اند که مثنوی اخیر به گزارش میر جهانی طباطبائی (ص ۱۰۰) از آن‌سید محمود دهدار است. شیوه مثنوی سرایی بهائی مورد استقبال دیگر شعرا، که بیشتر از عالمان امامیه اند واقع شده است. تنها نثر فارسی بهائی که در دیوان‌های چاپی آمده است، «رساله پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش» است. بهائی در عربی نیز شاعری چیره دست و زبان دانی صاحب نظر است و آثار نحوی و بدیع او در ادبیات عرب جایگاه ویژه ای دارد. مهمترین و دقیقترین اثر او در نحو، «الفوائد الصمدیه» معروف به صمدیه است که به نام برادرش عبدالصمد نگاشته است و جزو کتب درسی در مرحله متوسط علم نحو در حوزه های علمیه است. اشعار عربی بهائی نیز شایان توجه بسیار است. معروفترین و مهمترین قصیده او موسوم به «وسيله الفوز والامان فى مدح صاحب الزمان عليه السلام» در ۶۳ بیت است که هر گونه شبهه ای را در اثنا عشری بودن وی مردود می‌سازد. بهائی در ارجوزه سرایی نیز مهارت داشت و دوارجوزه شیوا یکی در وصف شهر هرات به نام «هراتیه یا الزّهره» «۲» و دیگر ارجوزه ای عرفانی موسوم به «ریاض الارواح» «۳» از وی باقی مانده است. دوبیتیهای عربی شیخ نیز از شهرت و لطافت بسیاری برخوردار بوده که بیشتر آنها در اظهار شوق نسبت به زیارت روضه مقدّسه معصومین علیه السلام است. شیخ محمدرضا فرزند شیخ حرّعاملی (متوفی ۱۱۱۰) مجموعه لطیفی از اشعار عربی و فارسی شیخ بهائی را در دیوانی فراهم آورده است. اشعار عربی وی اخیراً با تدوین دیگری نیز به چاپ رسیده است. بخش مهمی از اشعار عربی بهائی، لُغز و معماست. از بررسی شیوه نگارش بهائی در اکثر آثارش، این نکته هویدا است که وی مهارت فراوانی در ایجاز و بیان معما آمیز مطالب داشته است. وی حتی در آثار فقهی اش این هنر را به کار برده که نمونه بارز آن «رسائل پنجگانه الاثناعشریه» است. این سبک نویسندگی در «خلاصه الحساب، فوائد الصمدیه، تهذیب البیان و الوجیزه فی الدرایه» آشکارتر است. بهائی تبخّر بسیاری در صنعت لغز و تعمیم داشته و رسائل کوتاه و لغزهای متعدّد و معروفی به عربی از وی بر جا مانده است. مانند: «لغز الزبده» (لغزی است که کلمه زبده از آن به دست می‌آید)، «لغز النحو»، «لغز الکشاف»، «لغز الصمدیه»، «لغز الکافی» و «فائده». نامدارترین اثر بهائی الکشکول، معروف به «کشکول شیخ بهائی» است که مجموعه گرانسنگی از علوم و معارف مختلف و آینه معلومات و مشرب بهائی محسوب می‌شود (۱). ۱۶۱ بیت در

کلیات، ص ۱۷۹-۱۸۸، چاپ نفیسی؛ و ۱۴۱ بیت در کشکول، ج ۱، ص ۲۴۷-۲۵۴. (۲) شیخ بهایی، حسین بن عبد الصمد عاملی، کشکول، ج ۱، ص ۱۸۹-۱۹۴. (۳) شیخ بهایی، حسین بن عبد الصمد عاملی، کشکول، ج ۱، ص ۲۲۵-۲۲۷. شخصیت شناسی،

۶- منصب شیخ الاسلامی و شیخ بهائی

اشاره

۶- منصب شیخ الاسلامی و شیخ بهائی محمد بن حسین عاملی (شیخ بهایی) در مدت سال عمر خود با چهار تن از سلاطین صفوی معاصر بوده است. ۱. شاه طهماسب (۹۶۶-۹۸۴ ق) (به مدت سال). ۲. شاه اسماعیل دوم (-ق) (به مدت یک سال و اندی). ۳. سلطان محمد خدابنده (-ق) (به مدت سال). ۴. شاه عباس اول (-ق) (تا ق سال رحلت به مدت سال). او در سال ق در حالیکه سیزده سال داشت به همراه پدر (از شاگردان مطرح شهید ثانی) از جبل عامل به سمت ایران مهاجرت کرد. دلیل این مهاجرت از یکسو افزایش تهدیدات حاکمان عثمانی نسبت به شیعیان جبل عامل «۱» و از سوی دیگر احترام فراوان حاکمان آن زمان ایران (پادشاهان صفوی) به عالمان دینی بود، حاکمان صفوی با این کار ضمن ترویج دین و کمک به اقتدار سیاسی ایران به تحکیم سلطنت خود نیز کمک می کردند، عالمان شیعی نیز در این بستر مناسب ضمن ترویج مذهب تشیع اثنی عشری، از گسترش صوفیگری در جامعه آن زمان جلوگیری می کردند. «۲» پس از سه سال اقامت در اصفهان، پدر با توجه به پیشینه علمی و فقهی و با توصیه شیخ علی منشار (شیخ الاسلام اصفهان)، از سوی شاه طهماسب به سمت شیخ الاسلامی قزوین (پایتخت) منصوب شد. شیخ الاسلام مهم ترین منصب روحانیت در آن دوره بوده و وظیفه آن رفع ظلم از مظلومان، امر به معروف و نهی از منکر و تحقیق و بیان احکام شریعت برای مردم بود. «۳» شش سال بعد عنوان شیخ الاسلامی پایتخت از او گرفته شد و شیخ الاسلامی مشهد و سپس هرات به او واگذار شد، نویسنده کتاب الهجرة العاملیه این اقدام شاه طهماسب را مصداق نفی بلد و تبعید سیاسی دانسته و دلیل آن را تلاش وی در احیا و اقامه نماز جمعه (که اقامه آن در عصر غیبت مورد اختلاف علما بود) در پایتخت صفویه می داند چرا که باعث شد دولتمردان صفوی احساس خطر کنند و او را مانند محقق کرکی مانع بزرگی در برابر خواسته های خود بدانند. «۴» سرانجام پدر در سال (ق) ایران را به قصد زیارت حج ترک کرد و بعد از انجام مناسک حج به بحرین رفت، در آنجا اقامت گزید و (یک سال بعد وفات یافت. «۵» مدت این چهارده سال در پایتخت و در کنار پدر در مشهد و هرات بودن شیخ بهایی را با منصب و وظایف شیخ الاسلامی آشنا ساخت و آماده پذیرش این منصب بعد از پدر نمود. شواهدی است که نشان می دهد سمت شیخ الاسلامی هرات بعد از فوت پدر به پسر (شیخ بهایی) رسیده است، میرحسین بن حیدر کرکی (شاگرد شیخ بهایی) در روضات الجنات نقلی دارد که برداشت از آن این است که شیخ بهایی بعد از پدر، شیخ الاسلام هرات شده، که اگر این برداشت صحیح باشد سال وفات پدر (ق) و سال بعد از آن که سالهای آشوب و هرج و مرج در دربار بوده «۶» نمی تواند تاریخ اخذ این سمت باشد احتمال دارد که شیخ بعد از این تاریخ به این سمت منصوب شده. مؤلف الهجرة العاملیه در این مورد نیز معتقد است شیخ مانند پدر از مرکز سیاسی و قدرت (پایتخت) دور نگه داشته می شد. «۷» البته تأییدی بر این منصب شیخ الاسلامی هرات در کتاب خیرالبیان وجود ندارد، آنچه در مورد این دوره از زندگی شیخ (جوانی) در خیرالبیان عنوان شده و قابل توجه است این است که شیخ در عنفوان جوانی سفری طولانی مدت به بلاد اسلامی انجام داده «۸» و با توجه به اینکه در کتاب سلافة العصر مدت سفرهای شیخ را سال عنوان کرده «۹» و با در نظر گرفتن اینکه آخرین سفر شیخ در سال ق «۱۰» بوده می توان احتمال داد که این سفر می تواند در همین سالها باشد یعنی یا که در آن موقع شیخ تا سال داشته است. «۱۱»

شیخ بهایی و شاه عباس اول

شیخ بهایی و شاه عباس اول عمده فعالیت های سیاسی شیخ بهایی در عهد شاه عباس اول صورت گرفت، شاه عباس بزرگ ترین پادشاه سلسله صفوی ضمن آنکه ایران را به اقتدار گذشته اش بازگرداند، زمینه رشد و شکوفایی خارق العاده فرهنگ، هنر و معارف

دینی را نیز فراهم کرد. شاه عباس احترام زیادی برای علمای دین قایل می‌شد و در بیشتر امور از ایشان مشورت می‌جست، از جمله شواهد این امر انتخاب خلیفه سلطان، شاگرد میرداماد و شیخ بهایی به وزارت خود بود. «۱۲» ضمن اینکه حضور این دو عالم مطرح در دربار شکوه خاصی به سلطنت این پادشاه بخشیده بود «۱۳» شیخ بهایی در سال ق دو سال و اندی بعد از رحلت شیخ علی منشار) شیخ الاسلام اصفهان) «۱۴» به دستور شاه عباس اول به شیخ الاسلامی اصفهان منصوب شد. «۱۵» در سال ق با تغییر مکان پایتخت از قزوین به اصفهان این سمت به شیخ الاسلامی کشور تغییر و ارتقاء یافت. شیخ تا زمان وفاتش در این منصب بود. در عالم آرای عباسی آمده که شیخ پس از مدتی از سمت شیخ الاسلامی اصفهان به دلیل ملالت خاطر و دلزدگی از مناصب دنیایی اراده سفر بلاد اسلامی کرد «۱۶» که تاریخ این رخداد می‌تواند بین سالهای تا ق. باشد، یعنی سالی که شاه عباس پیاده به زیارت امام رضا علیه السلام رفت و شیخ بهایی نیز همراه او بود، اما در منابع دیگر دلیل سفر او به بلاد اسلامی اختلاف آرا و دیدگاه‌های علمی او با مکتب‌های فلسفی موجود در حوزه اصفهان (یعنی «توغل میرداماد و اصحاب او در علوم عقلی و رواج آن») می‌دانند. «۱۷» به اعتقاد عده‌ای شیخ بهایی در یکی از سفرهای خارجی خود به کشور عثمانی، سفارت شاه صفوی را بر عهده داشته و حامل پیامی از طرف شاه عباس اول به سلطان مراد حاکم عثمانی بوده است «۱۸»

ایرادهای وارد بر عملکرد سیاسی شیخ

اشاره

ایرادهای وارد بر عملکرد سیاسی شیخ الف) همکاری با سلاطین صفوی در قالب پذیرش منصب شیخ الاسلامی. ب) مدح سلاطین معاصر خود و تالیف کتاب یا رساله به نام آن‌ها. ج) تضاد و دوگانگی در نظر و عمل سیاسی.

الف) همکاری با سلاطین صفوی

الف) همکاری با سلاطین صفوی تعامل نزدیک شیخ بهایی با دربار صفوی به لحاظ مشروعیت چنین رفتاری از دیرباز مورد بحث اندیشمندان بوده است. در فقه شیعه سه عامل اساسی همکاری عالم دینی را با حاکم جائز، جائز می‌کند، مشروعیت رفتار سیاسی شیخ را در غالب این سه عامل بررسی می‌کنیم: اول تقیه «۱۹»: هرچند شیخ در جایی آورده: «از خشم پادشاه ظالم و جائز بپرهیز که خشم او مانند خشم فرشته مرگ است که جان را می‌ستاند و موجب هلاکت و نابودی حیات انسان می‌شود.» «۲۰» با این وجود در نظر گرفتن تقیه به عنوان توجیهی برای عملکرد سیاسی شیخ، چندان به واقعیت نزدیک نیست چراکه در آن زمان عالمان بزرگی همانند محقق اردبیلی و دیگران نیز بوده‌اند که علیرغم دوری جستن از دربار متحمل هیچگونه گزند نشده‌اند. دوم مصلحت عامه «۲۱»: با توجه به نقلها و نوشته‌ها «۲۲» هیچگونه جای تردیدی نیست که شیخ به پشتوانه موقعیت شیخ الاسلامی خویش در تامین مصلحت عباد، یاری رساندن به نیازمندان جامعه و دادرسی مظلومان تلاش بسیار کرده است. و سوم اقامه امر به معروف و نهی از منکر «۲۳»: در خیرالبیان «۲۴» و عالم آرا «۲۵» از نفوذ فراوان شیخ نزد شاه عباس و اجابت خواسته‌های او توسط شاه بسیار آمده، این خواسته‌ها که مستقیماً و یا در لفافه ادا می‌شد اکثراً دینی بود و حمایت نظام سیاسی از این خواسته‌های عالم دینی باعث شد اوج رشد فرهنگ و معارف تشیع را در آن دوره شاهد باشیم و این خود بزرگ‌ترین معروفی است که به دست عالمان شیعی در طول تاریخ سیاسی اسلام انجام شده. امام خمینی رحمه الله در رد این گونه شبهات چنین می‌فرماید: ... می‌بینیم که یک طایفه از علما این‌ها گذشت کرده‌اند از یک مقاماتی و متصل شده‌اند به یک سلاطین با این که می‌دیدند مردم مخالفند، لکن برای ترویج دیانت و ترویج تشیع اسلامی و ترویج مذهب حق، این‌ها متصل شده‌اند به یک سلاطین، و این سلاطین را وادار کرده‌اند خواهی نخواهی

برای ترویج مذهب تشیع و این‌ها آخوند درباری نبودند. این اشتباهی است که بعضی نویسندگان ما می‌کنند. اطرافیان سلاطین این آقایان بودند. اینها اغراض سیاسی داشتند، اغراض دینی داشتند. نباید یک کسی تا به گوشش می‌خورد که مثلاً مجلسی رحمه الله، محقق ثانی رحمه الله، شیخ بهایی رحمه الله با این‌ها روابط داشته‌اند و می‌رفتند سراغ این‌ها، همراهی‌شان می‌کردند، خیال کنند که اینها مانده‌اند برای جاه و عزت، و احتیاج داشتند به این که سلطان حسین و شاه عباس به آن‌ها عنایتی بکنند. این حرف‌ها نبوده در کار، آن‌ها گذشت کردند، یک مجاهده نفسانی کرده‌اند برای این که مذهب را به وسیله آن‌ها، به دست آن‌ها ترویج کنند. «۲۶»

ب) مدح سلاطین معاصر و تالیف کتاب و رساله به نام آن‌ها

ب) مدح سلاطین معاصر و تالیف کتاب و رساله به نام آن‌ها از جمله انتقاداتی که بر شیخ وارد می‌شود مدح و ثنایی است که نسبت به پادشاهان زمان خود داشته، شیخ کتاب حبل‌المتین را به اسم شاه طهماسب، خلاصه را به اسم حمزه میرزا «۲۷» رساله فی مباحث الکر را به نام سلطان محمد خدابنده و کتابهای العروة الوثقی «۲۸» جامع عباسی و رساله تحریم ذبایح اهل کتاب را به نام شاه عباس اول نوشته و در ابتدا یا در متن این کتب شاه صفوی را به اقتدار سیاسی، عدالت، انتساب به خاندان اهل بیت (صاحب‌النسب النبوی شاه عباس الحسینی الموسوی الصفوی) «۲۹» و دین‌مداری ستوده است. حال چرا شیخ به مدح درباریان پرداخته: اول جوابی که به ذهن می‌رسد تلاش یک مؤلف است برای حفظ و ترویج آثارش، که این رسم غالب اکثر مؤلفان گذشته و به خصوص آن دوره بوده اما این کار کاملاً حساب‌شده صورت گرفته چراکه بسیاری از عبارات به کار رفته توسط شیخ در مدح شاهان در واقع شرح وظایفی بوده که از حاکمان عدل انتظار عمل به آن‌ها می‌رفته و نکته دیگر اینکه بهایی هر چند شاه صفوی را به عدالت و جلوه‌های اقتدار ستوده، ولی هرگز آنان را به تقوا و پرهیزگاری توصیف نکرده، زیرا فسق شاهان صفوی برایشان امری مسلم بوده است، نکته سومی هم که وجود دارد اینکه شیخ بهایی در وصف شاهان صفوی فقط به توصیف سلطان معاصر خود پرداخته و از تعریف و تمجید دودمان صفوی و شاهان پیشین این سلسله خودداری کرده است که البته لازم به ذکر است این تایید اقتدار پادشاهان شیعی (صفوی) از سوی علمای دوران پیش امامیه در قبال حکومت رقیب (عثمانی) امری لازم و اجتناب‌ناپذیر بوده است.

ج) تضاد و دوگانگی در نظر و عمل سیاسی

ج) تضاد و دوگانگی در نظر و عمل سیاسی سومین جنبه از شبهات در عملکرد سیاسی شیخ است چراکه در تألیفات متعدد «۳۰» مخاطبان به خصوص علما را به دوری جستن از ریا و تلبیس برای رسیدن به مناصب توصیه کرده و بدترین عالمان دینی را، کسانی معرفی کرده که با پادشاهان معاشرت و مجالست دارند در حالیکه خود منصب شیخ الاسلامی را که مهم‌ترین منصب سیاسی مذهبی دوران بوده برای مدتی طولانی، در دست داشته و به گفته مورخان در سفر و حضر همراه شاه عباس، انیس و جلیس او بوده و این تناقضی آشکار در نظر و عمل سیاسی اوست. پاسخ این رفتار به ظاهر تناقض آمیز را باید در نوع نگرش بهایی نسبت به مسایل سیاسی، اجتماعی و دینی و نیز با ملاحظه اوضاع زمان او جست‌وجو کرد، نکوهش‌های شیخ در باره دنیا، جملگی در صورتی است که دنیا فی نفسه هدف باشد و انگیزه و خواسته انسان در دستیابی به مال و منصب و ریاست‌های دنیوی فقط رسیدن به دنیا باشد. این امر از مصادیق بارز دنیاطلبی است و ریشه هر خطایی است که از طرف ائمه علیهم السلام و عالمان دین از جمله خود بهایی نکوهش شده است، با توجه به این تا حدی روشن می‌شود که چرا شیخ بهایی مخاطبان خود را از معاشرت شاهان پرهیز می‌داد ولی خود از طرفی به آن تن می‌داد. علت آن است که نگاه او به دنیا و ریاست‌های دنیایی نگاهی ابزاری بوده است و هدف شیخ کسب نتایج دینی از مناصب دنیایی بوده، آثاری هم که شیخ در صحنه سیاسی برای ایران و شیعیان و فرهنگ تشیع به جای گذاشته مؤید این ادعا است (۱) شیخ بهایی، شیخ

بهایی، حسین بن عبد الصمد عاملی، احوال و اشعار فارسی، ص ۱۶-۱۹. (۲) سیمایی از شیخ بهایی در آینه آثار، ص ۴۲، ۴۳. (۳) تذکره الملوك، ص ۱-۴. (۴) الهجرة العاملیه، ص ۱۴۹، ۱۴۷. (۵) احوال و اشعار فارسی شیخ بهایی، ص ۱۶-۱۹. (۶) زندگانی شاه عباس اول، ج ۱، ص ۲۶؛ و تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، ص ۱۸، ۱۹۴، ۱۹۵. (۷) الهجرة العاملیه، ص ۱۵۴ (۸) احوال و اشعار شیخ بهایی، ص ۳۴. (۹) سلافة العصر، ص ۲۹۱. (۱۰) احوال و اشعار فارسی شیخ بهایی، ص ۳۳. (۱۱) همان، ص ۳۳. (۱۲) مفاخر اسلام، ج ۸، ص ۲۵۶. (۱۳) تاریخ ادبیات ایران، ص ۳۵۳، ۳۵۴. (۱۴) الهجرة العاملیه، ص ۱۴۳. (۱۵) تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، ص ۱۵۴. (۱۶) همان (۱۷). مفاخر اسلام، ج ۸، ص ۴۳۱. (۱۸) عروة الوثقی، ص ۲۷، ۳۳، ۳۴؛ ترتیب مناصب روحانیت در دوره صفوی: صدرخاصه، صدرعامه (یا صدرالممالک) قاضی دار السلطنه، قاضی عسکر و شیخ الاسلام. (۱۹) تذکره الملوك، ص ۲-۴. (۲۰) المخلات، ص ۲۸۷. (۲۱) دفع ضرر از مؤمن و یا جلب نفع برای او، از جمله عوامل جواز تشیع راه تقیه پیش گرفته‌اند. (۲۲) المخلات، ص ۲۸۷. (۲۳) دفع ضرر از مؤمن و یا جلب نفع برای او، از جمله عوامل جواز همکاری با حاکم جائز است که در فقه شیعه بدان تصریح شده است. (مکاسب محرمه، ص ۵۶). (۲۴) شیخ بهایی بسیار بخشنده بود و سرای عالی داشت که یتیمان و زنان بدان پناه می‌بردند و بسیار کودکان نوزاد در آن شیر خوردند و بسیار مردم از آن پناه جستند، وی به مردم بسیار چیز می‌بخشید ولی با آن همه تقرب، میل به پادشاه نداشت و بیش تر مایل به تنهایی و جهان گردی بود. (۲۵) سلافة العصر، ص ۲۹۱. (۲۶) در فقه سیاسی شیعه وجوب تحصیل ولایت از طرف حاکم جائز و یا هر نوع همکاری با او در صورتی که اقامه امر به معروف و نهی از منکر موقوف به آن باشد واجب است. (مکاسب محرمه، ص ۵۶). (۲۷) خیرالبیان: شاه آگاه، (شاه عباس اول) را نسبت به آن حضرت (شیخ بهایی) اعتقاد صافی است و در اعزاز و احترام و اکرام او دقیقه‌ای نامرعی نمی‌گذارد، و همواره ملتسمات آن حضرت در سده رفیع شاه‌ی چون دعاهای اجابت قرینش در بارگاه الهی مقبول است. (کلیات شیخ بهایی، مقدمه کتاب). (۲۸) عالم آرا: از این زمان خجسته نشان، حضرت اعلی شاهی، وجود شریف آن یگانه روزگار را مغتنم دانسته، همیشه از ملتزمان رکاب اقدس و اکثر اوقات در سفر و حضر به وثاق حضور او تشریف قدوم ارزانی داشته، از صحبت فیض بخش او مسرور می‌گردند. (۲۹) صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۵۹. (۳۰) وقایع السنین، ص ۵۰۴. (۳۱) العروة الوثقی، مقدمه کتاب. (۳۲) رساله تحریم ذبایح اهل کتاب، ص ۱، ۲. (۳۳) کلیات شیخ بهایی، رجوع شود به مثنوی‌های شیخ که در این کتاب آمده است شخصیت شناسی، ص: ۷.

۷- شیخ بهائی دانشمندی جامع

اشاره

۷- شیخ بهائی دانشمندی جامع به جرأت می‌توان گفت که در طول تاریخ بشریت، شخصیتی همچون شیخ بهائی بسیار کم دیده شده است. شخصیتی که هم فقیه کاملی باشد، هم ریاضی دانی ماهر و هم منجمی کا ردان. استادی که ادیبی کم نظیر، مفسری آگاه، حکیمی توانا و معماری شگفت شثار این مرد اللکفت انگیز به نظر آید. کارهایی که شیخ بهائی در زمینه معماری و عمران انجام داده است عقل بشر را به تحیر وادار می‌دارد. آنهم کارهایی که هنوز بعد از قرن‌ها می‌توان آنها را مشاهده کرد.

اینک به چند نمونه از آثار این مرد الهی اشاره می‌کنیم:

۱- تقسیم آب زاینده رود

۱- تقسیم آب زاینده رود نخستین کار جالب او تقسیم صحیح و طریقه مهندسی آب زاینده رود به محله‌ها و باغات شهر اصفهان

بود. او با محاسبه دقیق و بدست آوردن آمار بارندگی مناطق مختلف اصفهان، حومه و کوهستان های اطراف و همچنین سرچشمه زاینده رود، طرح دقیق نهرها و شیب و مقطع آنها و سهم استفاده آب هر باغ و محله و منزل، به مشکل و اختلاف چندین ساله این منطقه پایان داد. این منطقه تا قبل از تقسیم آب همیشه در حال نزاع و جنگ و خونریزی قبیله ای برای تقسیم آب بود و با این کار شیخ بهائی این گرفتاری برای همیشه خاتمه پیدا کرد. بر اساس این رساله یا آئین نامه که امروزه به آن دفترچه مشخصات فنی می گویند تقسیم بندی و استفاده صحیح از آب زاینده رود قانونمند شد و هنوز بر مبنای همان رونوشت تقسیم مقدار آب با توجه به حرکت و سرعت و کشش و شیب و حجم مناطق زراعی و باغ ها و یا برای استفاده عامه مردم مشخص و معلوم شده است. جالب ترین محاسبه شیخ بهائی در این است که فصل سیلابی زاینده رود را طی ۱۹۷ روز اوایل آذر ماه و سپس مدت ۱۶۸ روز برای جریان عادی و منظم بررسی و محاسبه کرده است. جالبتر آنکه، این مدت زمان تغییرات و نوسانات تا به امروزه با آمار متوسط عوامل جوی اصفهان منطبق بوده و اصالت خود را حفظ کرده است. شیخ بهائی طرز تقسیم بندی جریان آب زاینده رود را با توجه به محاسبات خیلی دقیق به ۳۳ سهم تقسیم نموده که هر سهم معادل ۵ شبانه روز قسمتی از آب رودخانه است که باید آب موجود در رودخانه به هر محله سرازیر شود که امروزه با نصب دستگاه های مختلف آب سنج ها در نقاط زاینده رود به همان نتیجه رسیده اند که او در ۴۲۰ سال قبل رسیده بود.

۲- ساخت مسجد چهار باغ به روی لجنزار

۲- ساخت مسجد چهار باغ به روی لجنزار کار مهم دیگر شیخ بهائی بنای مسجد مشهور چهار باغ است که چون در مسیر یکی از کانالهای آب زاینده رود قرار داشت و امکان پی ریزی ساختمان عظیم و سنگی آن مواجه با اشکال می گردید و ساختمان مذکور هم نمی توانست روی سطح مرداب و لجن های موجود در اطراف آن قرار گیرد و امکان هر گونه خطر برای ساختمان و به ویژه برای دیوارهای جانبی گنبد و مناره ها وجود داشت (این کانال هنوز از وسط مدرسه چهارباغ اصفهان عبور می کند) دست به یک ابتکار زد. شیخ برای اجرای صحیح این کار پیشنهاد کرد که نخست، مقدار زیادی زغال چوب به ضخامت ۲ متر در سرتاسر پی ساختمان پراکنده گردد و پس از کوبیدن زغال در کف پی ها روی آنرا با ساروج و شفته پر کرده و پی های ساختمان را روی ساروج و شفته مذکور بنا نمایند. این روش که عبارت است از استفاده از زغال چوب برای پی ساختمان های روی مرداب و لجن زار، بعدها مورد توجه اروپائیان قرار گرفت و پی و شالوده ساختمانهای عظیم خود را بدین طریق ساختند و هنوز هم در بعضی از نقاط به همین روش عمل می کنند. ضمناً "چون باید ملات گل ساختمان مسجد بهم در آمیخته و با پا و سایر وسایل بخوبی مخلوط شود و از آنجا که هر چه ملات بیشتر پا بخورد چسبندگی گل بهتر شده و خوب عمل می آید، از این لحاظ به دستور شیخ بهائی ابتکاری برای هر چه بیشتر پا زدن گل ها بکار برده شد که ملات بنای مسجد هر روز زیر پای مردم و کودکان اهل اصفهان بلا وقفه پا بخورد و بهم مخلوط و آمیخته گردد. ابتکار شیخ بهائی این بود که دستور داد که هر روز صبح چند سکه طلا را در خاک ملات ها بریزند و سپس گل ساخته و به مردم اطلاع دهند که بیایند و سکه ها را برای خود بیابند. مردم گروه گروه گل ملات ها را از صبح لگدمال کرده و تا غروب آنروز تعدادی سکه برای خود می جستند و بدین طریق گل ملات ها کاملاً بهم آمیخته و به قول معمارها عمل می آمد، یعنی همین کاری که امروزه هم برای گل خاک رس کاشی سازی به وسیله ماشین های مکانیکی مخلوط کن انجام می گیرد. (البته امروز این بناء به مدرسه چهارباغ مشهور است).

۳- گرمابه شیخ بهائی

۳- گرمابه شیخ بهائی یکی دیگر از کارهای شیخ بهائی ساختن گرمابه ای است که به احتمال نزدیک به یقین از روی ایده شمع خودکار احمد بن موسی بن شاکر خراسانی ساخته شده است. طرز کار این شمع خودکار و تهیه آبگرم حوضچه سربینه حمام مذکور با مراجعه به شکل و دست خط و ترسیم احمد بن موسی بن شاکر خراسانی بخوبی مشهود است، نسخه اصلی کتاب او فقط در موزه ها و کتابخانه های واتیکان، برلین، لندن و ترکیه موجود است.

طرز کار آبگرمکن "شیخ بهائی"

طرز کار آبگرمکن "شیخ بهائی" نقشه اصلی و خط نویسنده کتاب موسی بن شاکر خراسانی در دسترس است و از این لحاظ سعی شده که اصالت نقشه اصلی سازنده حفظ شود و شکل به طریقه برشی مقطع و یا پرسپکتیو و یا ایزومتریک ترسیم نشده است (یعنی نقشه همانطور ترسیم شده و مثل نقشه های امروزی که به آن نقشه کشی صنعتی می گویند رسم نشده است). ۱. کره فلزی که بالای آن سرپیچ است به لوله فلزی توخالی که یک سر آن فتیله و انتهای دیگر آن دنده دار است لحیم شده است. چون کره، تو خالی است روی مایع شناور است و اگر سطح مایه سوخت پائین آید توپ مذکور پائین آمده و لوله منحنی در مسیر حرکت می کند و فتیله شعله ور می گردد. ۲. فلوتر و یا گوی توپر دریچه را که سر ورود لوله سوخت است به بالا- میبرد و مایع سوخت وارد ظرف و یا منبع میشود. در نتیجه مخزن پر شده و دوباره گوی به بالا می رود و با این عمل دنده بطرف عکس حرکت و اینبار گوی دریچه را می بندد. در صورتی که دریچه بسته شود مازاد مایع از لوله عصائی که ارفلو است بخارج ریخته می شود بدون اینکه آسیبی به سیستم وارد کند. ۳. شناور برای تولید فشار کافی روی مایع است که از طرفی با اهرم هایی به پشت گوی وصل است که با کم و زیاد شدن مایع سوخت به باز و بسته شدن دریچه ورودی مایع کمک می کند. ۴. تامین مایع سوخت، در زمان شیخ بهائی به وسیله یک لوله زیر زمینی به عصار خانه جنب حمام وصل شده بود و با تولید روغن های کرچک و کنجد و روغن های سوختی دیگر که در محل مذکور روغن کشی می شده تامین میگردد. روی شمع مذکور ظرف لگن مسی بوده که حجم آبی را برابر با ۳ و یا ۴ سطل کنجایش داشته و مرتباً در شبانه روز گرم بوده است. دستگاه مذکور را حدود اواخر حکومت زندیه از زیر زمین بیرون آوردند و به خارج از ایران منتقل کردند. این اطلاعات از نسخه منحصر به فرد کتاب "الحبل" که فقط به تعداد سه نسخه در لندن، برلین و در ترکیه است استخراج شده است. (اگر دقت کرده باشید تقریباً کار این دستگاه شبیه آبگرمکن های گازی دیواری میباشد که آب را سریع گرم می کند).

۴- محاسبات کامپیوتری

۴- محاسبات کامپیوتری یکی دیگر از کارهای برجسته این استاد بزرگ در عملیات حساب و ریاضی، نکته جالبی است که در کتاب "خلاصه الحساب" او آمده است. بحث درباره اعداد مزدوج (اعداد زوج) و یا بای ناری "۲، ۶۴، ۳۲، ۱۶، ۸، ۴، ۱۰۲۴، ۵۱۲، ۲۵۶، ۱۲۸" است. که عدد ۲ جذر، و ۴ را مال، و ۸ را کعب در نتیجه مال المال؛ ۱۶ و مال الكعب؛ ۳۲ کعب الكعب؛ ۶۴ مال المال الكعب؛ ۱۲۸ مال الكعب الكعب؛ ۲۵۶ کعب الكعب الكعب؛ ۵۱۲ ما المال کعب الكعب؛ ۱۰۲۴ انتخاب می کند و سپس روی عدد ۱۰۲۴ متوقف شده و انرا بنام "ام" یعنی مادر بکار برده که امروز در یک کامپیوتر هم به همین ترتیب حساب میشود، با این تفاوت که بجای کلمه "ام" انرا یک "بایت" یا "بیت" میگویند که اغلب کامپیوترها تا ۸ بیت مجهز هستند (البته به تاریخ نگارش این مطلب توجه شود، ۱۳۶۱ ش) یعنی تا ۸ بار عدد ۱۰۲۴ را محاسبه می کنند. معمولاً حافظه یک کامپیوتر با بکار بردن "K" حساب میشود که چند کیلوبیت و یا همان عدد "ام" شیخ بهائی است که مال المال کعب الكعب و برابر با ۱۰۲۴ است

که جهان ریاضی از آن به خوبی استفاده کرده و ما از آن بکلی بی اطلاع بودیم.

۵- معماری مسجد امام اصفهان و مهندسی حصار نجف را به او نسبت می دهند.

۶- شاخصی برای تعیین اوقات شبانه روز از روی سایه آفتاب یا به اصطلاح فنی، ساعت آفتاب یا صفحه آفتابی

۶- شاخصی برای تعیین اوقات شبانه روز از روی سایه آفتاب یا به اصطلاح فنی، ساعت آفتاب یا صفحه آفتابی و یا ساعت ظلی در مغرب مسجد امام (مسجد شاه سابق) در اصفهان هست که می گویند وی ساخته است.

۷- طرح ریزی کاریز نجف آباد اصفهان که به نامقنات زرین کمر،

۷- طرح ریزی کاریز نجف آباد اصفهان که به نامقنات زرین کمر، یکی از بزرگترین کاریزهای ایران است و از مظهرقنات تا انتهای آبخور آن ۹ فرسنگ است و به ۱۱ جوی بسیار بزرگ تقسیم می شود و طرح ریزی این کاریز را نیز از مرحوم بهائی می دانند.

۸- دیگر از کارهای شیخ بهائی تعیین سمت قبله مسجد امام به مقیاس چهل درجه انحراف غربی از نقطه جنوب

۸- دیگر از کارهای شیخ بهائی تعیین سمت قبله مسجد امام به مقیاس چهل درجه انحراف غربی از نقطه جنوب و خاتمه دادن به یک سلسله اختلاف نظر بود که مفتیان ابتدای عهد صفوی راجع به تشخیص قبله عراقین در مدت یک قرن و نیم اختلاف داشته اند.

۹- همچنین طراحی منار جنبان اصفهان

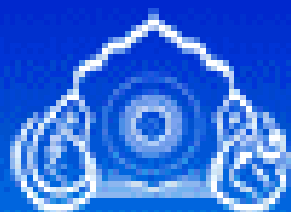
۹- همچنین طراحی منار جنبان اصفهان که هم اکنون نیز پا برجاست به او نسبت داده می شود.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد

بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰-۰۱۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محتج غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری

مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

